

دیباچه‌ی چاپ اول

اثری که امروز نخستین بخش آن را به عموم عرضه می‌کنم دنباله نوشته من در باره‌ی انتقاد از علم اقتصاد* است که در سال ۱۸۵۹ انتشار یافت. فاصله طولانی بین آغاز و ادامه آن از آن جاست که بیماری چندین ساله‌ای بارها موجب قطع کار من گردید.

محتوی نوشته سابق در فصل اول این بخش خلاصه شده است. این کار تنها از جهت پیوستگی و استقامت کامل مسائل انجام نیافته بلکه مطلب نیز بهتر بیان شده است. تا آن جا که اوضاع و احوال به من اجازه داده اند برخی نکات را که سابقاً فقط به اشاره اکتفا کرده بودم بسط داده‌ام و به عکس پاره‌ای دیگر را که به تفصیل آورده بودم کوتاه نمودم. طبعاً بخش‌هایی که به تاریخ تئوری ارزش و پول اختصاص داده شده بود در این نوشته حذف گردید ولی با وجود این خواننده نوشته سابق در یادداشت‌های فصل اول منابع تازه راجع به تاریخ آن تئوری خواهد یافت.

هر آغازی دشوار است. این حقیقت درباره‌ی هر علمی صدق می‌کند و به همین جهت فهم فصل اول و به ویژه قسمت‌هایی که به تحلیل کالا اختصاص داده شده است بزرگ‌ترین دشواری را ایجاد می‌کند. در خصوص تحلیل ماهیت ارزش و هم چنین مقدار ارزش کوشیده‌ام تا حدی که امکان داشت آن را همه فهم بیان نمایم.^۱

Zur Kritik der politischen Okonomie -*

^۱ - این عمل بیشتر به نظر من ضرورت یافت هنگامی که فردریک لاسال f. Lassales در بخشی از نوشته‌ی خود علیه شولتسه دلپچ Schulze Delitzsch در آن جا که وی مدعی است روح و چکیده‌ی توضیحات مرا در این باب بیان می‌کند سوء تفاهمات مهمی ایجاد نمود. ضمناً بگوئیم وقتی فردریک لاسال تمام مطالب عمومی نظری کار اقتصادی خویش را تقریباً کلمه به کلمه از نوشته‌های من بدون ذکر مأخذ آن اقتباس می‌کند (مثل آن چه که مربوط به صفت

شکل ارزش که صورت آماده آن شکل پول است بسیار توخالی و ساده است ولی با این حال بیش از دو هزار سال است که فکر بشر با آن که توفیق یافته است لااقل به طور تقریب اشکال پر مغزتر و به مراتب پیچیده تری را تجزیه کند برای کشف آن می کوشد. چرا؟ برای این که مطالعه اجسام مرکب آسان تر از سلول است و به علاوه در تجزیه اشکال اقتصادی استفاده از میکروسکوپ یا معرف های شیمیایی میسر نیست. قوه تجرید و انتزاع باید جبران این دو را بکند.

اما برای جامعه بورژوایی شکل کالائی محصول کار- یا صورت ارزشی کالا- شکل سلولی اقتصادی است. در دیده عامی چنین می نماید که کار این تحلیل به تردستی کشانده می شود. راست است تردستی هست ولی تنها در معنایی که علم تشریح میکروبی به تردستی می پردازد.

بنابر این به استثناء قسمت مربوطه به شکل ارزش نمی توان نسبت به دشواری فهم این کتاب شکایت داشت. البته من خوانندگانی را در نظر می گیرم که می خواهند چیز تازه ای بیاموزند و بنابر این میل دارند بیاندیشند.

علم طبیعی دو طریقه اختیار می کند: یا پروسه های طبیعت را در جانی مورد مطالعه قرار می دهد که کامل ترین صورت آن ها نموده می شود و کمتر مورد تأثیر عوامل مختل کننده هستند و یا تجربیات خود را در شرایطی انجام می دهد که سیر بی خدشه پروسه را تأمین می کند.

آن چه را که من قصد دارم در این اثر تحقیق کنم شیوه ی تولید سرمایه داری و مناسبات تولیدی و مبادله های منطبق با آن است.

تا کنون انگلستان محل کلاسیک این نوع تولید بوده است. به همین سبب این کشور عمده ترین شاهد برای بیان و تشریح نظریات من واقع گردیده است. حالا اگر خواننده

تاریخی سرمایه یاهمبستگی مناسبات تولید و طرز تولید است) و غیره و غیره و حتی اصطلاحاتی که من شخصاً به وجود آورده ام به کار می برد لابد ضروری تبلیغی او را وادار به این عمل نموده است. بدیهی است منظور من بحث درباره ی تفصیلاتی که وی آورده و نتایج علمی که از آن ها گرفته است نیست. من به هیچ وجه کاری به این مطلب ندارم.

آلمانی در مورد وضع کارگران صنعتی و کشاورزی انگلیسی فریسی مآب* شانه های خود را بالا بیاندازد و یا بخواهد خوش بینانه خود را تسلی دهد و بگوید که در آلمان هنوز تا مدتی اوضاع بدک نیست، جز این نمی توانم که به وی بانگ بزنم، این سرگذشت خود تست که نقل می کنم. (De te fabule narratur). به خودی خود سخن از درجه عالی دانایی تضادهای اجتماعی که از قوانین طبیعی تولید سرمایه داری ناشی می شوند نیست. سخن بر سر خود این قوانین- بر سر خود این تمایلات است که با ضرورتی پولادین تأثیر می کنند و چیره می شوند.

کشوری که از لحاظ صنعت جلوتر از دیگران است به کشوری که کمتر توسعه یافته منظره آینده اش را نشان می دهد. حالا از این مطلب می گذریم. در کشور ما آن جا که تولید سرمایه داری حق آب و گل پیدا کرده مثلاً در کارخانات به معنای واقعی آن اوضاع بدتر از انگلستان است زیرا پارسنگ قوانین کارخانه وجود ندارد. ما در هر یک از رشته های دیگر مثل همه کشورهای قاره ای اروپای غربی نه تنها از توسعه تولید سرمایه داری بلکه از غیرکافی بودن رشد آن رنج می بریم. در جوار مصائب جدید یک سلسله از عیوب ارثی که زانیده در جا زدن دائمی ما در شیوه های تولیدی باستانی و سپری شده است با کلیه عواقبی که نا به هنگام در زمینه مناسبات اجتماعی از آن ها ناشی می گردد، ما را تحت فشار قرار می دهند. ما تنها از زندگان رنج نمی بریم بلکه مردگان نیز ما را عذاب می دهند. **Le mort saisit le vif** (مرده زنده را فرا می گیرد)*

*- فریسی pharisäisch, phrisafque فریسیان پیروان یکی از شعب باستانی مذهب یهودند که تظاهر به تقدس و تقوی را شعار قرار داده بودند و در اصطلاح زبان های اروپایی به اشخاص ریاکار و قلب اطلاق می گردد.

*- اشاره به قاعده حقوقی است که در قرون وسطی برای این که وارث بتواند به محض فوت در ترکه متوفی دخل و تصرف کند وضع گردیده است. این قاعده که در متن آلمانی به زبان فرانسه ذکر شده از کتاب عادات پاریس اقتباس گردیده است.

آمار اجتماعی آلمان و کشورهای غرب اروپای بری در مقایسه با آن چه در انگلستان می گذرد فقیر و ناچیز است. ولی با این همه گوشه پرده را به قدر کفایت بالا می زند تا بتوان سر مدوزی** را از لابلای آن دید.

اگر دولت ها و پارلمان های ما مانند انگلستان کمیسیون های ادواری برای بازرسی وضع اقتصادی تعیین می کردند و این هیئت ها هم چنان دارای اختیارات نامه برای تحقیق حقایق بودند و نیز امکان داشت هم چون انگلستان برای این مأموریت مردانی با صلاحیت و بی طرف و بی ملاحظه مانند بازرسان کار، گزارش دهندگان پزشکی درباره ی ی بهداشت عمومی، کمیسرهای مأمور تحقیق درباره ی استثمار زنان و کودکان و شرایط سکنی و غذا پیدا نمود آن گاه از وضع خاص خود وحشت می کردیم.

پرسه برای این که دیوها را دنبال کند خویشتن را با کلاهی از ابر می پوشاند ولی ما در عوض کلاه ابر بر دیدگان و گوش های خود می کشیم تا بتوانیم وجود دیوان را انکار کنیم.

بیهوده ما را در این باب وهم نگیرد. هم چنان که جنگ استقلال آمریکا در قرن هیجدهم برای طبقه متوسط اروپا به منزله ی ناقوس خطر بود جنگ داخلی آمریکا در سده ی نوزدهم برای طبقه ی کارگر اروپا اعلام خطری است.

در انگلستان جریان دگرگونی های اجتماعی را می توان با دست لمس نمود. این تحولات در نقطه معینی از اعتلاء خود ناگزیر موجب واکنش در قاره اروپا می گردد. در این صورت تحولات مزبور برحسب درجه تکامل طبقه کارگر شکل خشن تر یا انسانی تری به خود خواهد گرفت. قطع نظر از جهات عالی تر، نفع طبقه حاکمه کنونی در این است که کلیه مواعی را که می توان قانوناً تحت اختیار در آورد و سد راه تکامل طبقه کارگر است از پیش پایش بردارد.

** - Meduse مدوز یکی از سه زن جادویی است که بنا به افسانه های باستانی یونان بینندگان را تبدیل به سنگ می کردند و پرسه یا پرسئوس persee, perseus پسر زئوس خدای خدایان پهلوان داستانی یونان سر او را برید.

به همین جهت است که من در این جلد بخش بزرگی را به تاریخ، محتوی و نتایج قوانین کارگری انگلستان تخصیص داده ام. هر ملتی می تواند و باید در مکتب دیگران بیاموزد. حتی هنگامی که جامعه ای در مسیر قانون طبیعی تکامل خویش افتاده است. و هدف غائی ما در این اثر همین است که قانون اقتصادی تکامل اجتماع نوین را کشف کنیم. نمی تواند از مراحل طبیعی تکامل خود بجهت و نه این که ممکن است به وسیله ی فرمان این مراحل را زائل سازد. آن چه که می تواند این است که درد زایمان را کوتاه تر و ملایم تر کند.

برای رفع هرگونه سوء تفاهم اضافه می کنیم که چهره ی سرمایه دار و مالک زمین به سرخاب نیاز دارد. در این جا از افراد فقط به مثابه تجسم مقولات اقتصادی، نمایندگان مناسبات و منافع معین طبقاتی بحث شده است.

نظریه من که تحول ساخت اقتصادی جامعه را یک پروسه طبیعی و تاریخی تلقی می کند کمتر از هر عقیده دیگری فرد را مسنول مناسباتی می شمارد که خود محصول اجتماعی آن است با این که از نظر ذهنی فرد می تواند خود را ما فوق آن مناسبات قرار دهد.

در علم اقتصاد تحقیق آزاد علمی تنها با همان دشمنی که برای شعب دیگر دانش وجود دارد تصادف نمی کند. طبع خاص موضوعی که مورد بحث آن است شدیدترین و حقیرترین و کینه توزترین شهوات نفسانی که در سینه انسانی می جوشد یعنی حرص نفع شخصی را بر ضد خود می انگیزد. مثلاً کلیسای عالی انگلستان سی و هشت حمله به اصول سی و نه گانه دین خود را آسان تر می بخشد تا تعرضی بر یک سی و نهم از درآمد خویش. و در روزگار ما مخالفت با خداوند در مقابل انتقاد مناسبات کهن مالکیت از معاصی صغیره محسوب می شود. با وجود این نمی توان در این زمینه پیشرفت را منکر شد. مثلاً من خواننده را به کتاب آبی که چند هفته است تحت عنوان:

"Correspondence with her Majesty`s Mission Abroad,

regarding Industrial Question and Trades' Union."

(مکاتبه با میسیون اعلیحضرت در خارجه راجع به مسائل صنعتی و اتحادیه های کارگری) انتشار یافته است مراجعه می دهم.

نمایندگان سلطنت انگلستان در خارجه به صراحت در این کتاب می گویند که در آلمان، فرانسه و خلاصه در کلیه کشورهای متمدن اروپای بری تحول روابط کنونی سرمایه و کار همان اندازه محسوس و غیرقابل اجتناب است که در انگلستان. در همین زمان از سوی دیگر اقیانوس اطلس آقای وید* معاون رئیس جمهور آمریکای شمالی در اجتماعات عمومی اعلام می دارد که "پس از الغاء بردگی تغییر شرایط سرمایه و مالکیت ارضی در دستور روز قرار می گیرد."

این ها علانمی از زمان هستند که نه قبای ارغوانی و نه طیلسان سیاه هیچ یک توانائی پنهان کردن آن را ندارند. منظور این نیست که فردا معجزه خواهد شد. این علانم به ما نشان می دهد که حتی در بین طبقات حاکمه دارد این نکته درک می شود که جامعه کنونی ریخته ثابتی نیست بلکه ارگانیزم قابل تکاملی است که دائماً در حال تطور است.

جلد دوم این نوشته از پروسه گردش سرمایه (کتاب دوم) و شکل های مجموع پروسه (کتاب سوم) بحث خواهد کرد.

در جلد سوم و آخر کتاب (کتاب چهارم) تاریخ تنوری را بیان خواهیم نمود. هر قضاوتی که ناشی از انتقاد علمی باشد با آغوش باز پذیرفته خواهد شد. در برابر قضاوت های قبلی که به اصطلاح افکار عمومی خوانده می شود و من هرگز در قبال آن ها گذشتی نکرده ام هم چنان کلام آن مرد بزرگ فلورانس را شعار خویش قرار می دهم که گفت:

Segui il tuo cirso, e lascia dir le genti!

(راه خود گیر و بگذار مردم هر چه می خواهند بگویند).

کارل مارکس

لندن، ۲۵ ژوئیه ۱۸۶۷

بازنویس: یاشار آذری